

دکتر کنوت هایم، ضرب المثل، سخنرانی ۱۱ امثال ۱۱:۲۲ - خوک حلقه طلایی

کنوت هایم و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر کنوت هایم در حال تدریس کتاب امثال است. این جلسه شماره ۱۱، امثال ۱۱:۲۲، انگشتر طلا و پوزه خوک است.

به درس یازدهم در مورد کتاب مقدس امثال خوش آمدید.

در طول این سخنرانی‌ها، من استدلال کرده‌ام که کتاب امثال (کتاب مقدس (نمونه‌ی بارزی از یک متن تخیلی است که باید با تخیل نوشته شود. همچنین در دو سخنرانی آخر یا بیشتر، استدلالی برای خوانش زمینه‌ای بیشتر امثال به عنوان خوشه‌های ضرب‌المثل در فصل‌های ۱۰ تا ۲۹ کتاب ارائه داده‌ام. اما آنچه می‌خواهم در این سخنرانی بر آن تمرکز کنم، تنها یک ضرب‌المثل خاص است، ضرب‌المثلی که به گمان من به طور کلی جالب و تحریک‌آمیز است و باید به طور مستقل و با اشاره به زمینه‌ی پیرامون آن تفسیر شود.

اما من باور ندارم که امثال ۱۱:۲۲ در واقع به یک خوشه، یک خوشه ضرب‌المثلی، مانند مثلاً ۱۰: ۱-۵ تعلق داشته باشد. من واقعاً این ضرب‌المثل را دوست دارم چون تند و تیز، تخیلی و خنده‌دار است. و می‌خواهم با شما در میان بگذارم که چگونه یک خوانش دقیق و خلاقانه از این ضرب‌المثل خاص، در نگاه اول به تفسیری نسبتاً غیرمعمول، شاید، منجر می‌شود. اما امیدوارم به شما نشان دهم که یک تفسیر خلاقانه که به توازی‌های کتاب مقدس توجه زیادی دارد و بر اساس نظریه‌های جدید استعاره کار می‌کند، در واقع معنایی از این ضرب‌المثل را کشف خواهد کرد که تا حد زیادی در طول قرن‌ها از دید اکثر خوانندگان، از جمله خوانندگان ما، پنهان مانده است.

بنابراین، این ضرب‌المثل، فصل ۱۱، آیه ۲۲ است. من از نسخه استاندارد جدید اصلاح‌شده می‌خوانم، اگرچه در این سخنرانی ما به طور دقیق به عبری این آیه نیز نگاه خواهیم کرد. و به طور خاص، ترجمه من کمی با نسخه استاندارد جدید اصلاح‌شده پس از پایان تفسیر متفاوت خواهد بود.

خب، این هم از این. یه زن زیبا و بی‌عقل، مثل یه حلقه طلا تو پوزه خوک می‌مونه. بذار اینو برات تعریف کنم.

زن زیبا و بی‌خرد، مانند حلقه‌ی طلا در پوزه خوک است. خب، این هم از این ضرب‌المثل. به نظر می‌رسد این ضرب‌المثل، نوع خاصی از زن را با خوک برابر می‌داند.

مطمئنناً، تفاسیر موجود در تفاسیر دانشگاهی استاندارد بر کتاب امثال، آن را اینگونه جلوه می‌دهند. با این حال، در ادامه سعی خواهم کرد نشان دهم که اینطور نیست. ابتدا مروری بر ادبیات علمی اخیر ارائه خواهم داد که روندی را برای معدود منابع رایجی که توانستم در مورد این ضرب‌المثل پیدا کنم، ایجاد کرده است.

سپس این استدلال به کل کتاب امثال به عنوان زمینه‌ای برای تفسیر امثال ۱۱:۲۲، به ویژه سایر مطالب مربوط به زنان در کتاب، خواهد پرداخت. پس از آن، ساختار نحوی و توازی شاعرانه خود ضرب‌المثل را بررسی خواهم کرد. و در نهایت، تفسیری از ضرب‌المثل ارائه خواهم داد که همه این جنبه‌ها را در نظر می‌گیرد.

، بنابراین، من با مروری بر ادبیات مربوط به این ضرب‌المثل شروع می‌کنم. دو تفسیر از اواخر قرن نوزدهم زمینه را برای پژوهش‌های مدرن فراهم کرده‌اند. فرانتس دلیتزش در سال ۱۸۷۳ این ضرب‌المثل را به عنوان چیزی که او آن را یک ضرب‌المثل نمادین می‌نامید، شناسایی کرد که در آن سطر اول و دوم مانند یک تصویر و عنوان آن به هم مرتبط هستند.

و من از ترجمه انگلیسی تفسیر او نقل قول می‌کنم. اگر کسی چنین حلقه‌ای را در پوزه خوک فرض کند، پس در چنین چیزی او نماد همسری است که در او زیبایی و فقدان فرهنگ در تضاد مستقیم با هم قرار گرفته‌اند. به معنای کنار گذاشتن، تلویحاً بیان می‌شود sure به گفته دلیتزش، گناه چنین زنی با فعل

به ایده‌ی دلیچ درباره‌ی تصویر و شرح آن باز خواهیم گشت، اما فعلاً لازم به ذکر است که دلیچ تمام نیم‌خط اول ضرب‌المثل را با تصویر زنی که در مصراع دوم توصیف شده است، معادل دانسته است همانطور که خواهیم دید، تقریباً تمام مفسران بعدی نیز همین رویکرد را در پیش گرفته‌اند. بنابراین دلیچ اساساً تأثیر شاعرانه‌ی ضرب‌المثل را طوری توصیف می‌کند که گویی تصویری از زنی داریم که در واقع خوک با حلقه‌ای طلا در پوزه‌اش است و سپس شرحی در زیر آن آمده است که می‌گوید، زنی بی‌عقل یا چیزی شبیه به آن.

تفسیر دیگر توسط سی اچ توی از سال ۱۸۹۹ است. او تشخیص داد که امثال ۱۱:۲۲ معادله زیر را ایجاد می‌کند: یک حلقه طلایی، یک زن زیبا است

با این حال، او در تفسیر خود، همان یکی‌انگاری دلیتزچ را انجام داد، یعنی بین خوک و زن. نقل می‌کنم: گفته می‌شود که در اتحاد زیبایی شخص و نقص ذهن و شخصیت در یک زن، همانقدر ناهماهنگی وجود دارد که در وجود زینتی گران‌قیمت بر روی خشن‌ترین و ناپاک‌ترین حیوان. بنابراین، اگرچه او چیزی را تشخیص داد که در واقع بسیار مهم است، و من بعداً در این سخنرانی به آن خواهم پرداخت، که آن یک حلقه طلایی است که هنگام تفسیر ضرب‌المثل با یک زن زیبا برابر دانسته می‌شود، اما او این کار را نمی‌کند، بلکه زنی را با برخی از عیوب با یک حیوان خشن، یک خوک، تفسیر می‌کند.

او، باز هم نقل قول می‌کنم، اتحاد زیبایی فرد و نقص ذهن و شخصیت، پایان نقل قول، را با حلقه طلایی نیم‌خط اول و زن نیم‌خط دوم را با خشن‌ترین و ناپاک‌ترین حیوان برابر دانست. بنابراین، توی در معادله اساسی زن و خوک، همان حرکت تفسیری دلیتزش را انجام داد. آنچه در مورد توی متمایز است، تفسیر او از ترکیب زیبایی ظاهری و فقدان شخصیت با حلقه طلایی است.

همانطور که خواهیم دید، دو ایده اساسی دلیتزچ و توی، آغاز یک سنت تفسیری را رقم زدند. شاید باید لحظه‌ای به عقب برگردم و به چیزی که در سخنرانی‌های قبلی‌ام گفته‌ام برگردم، اینکه اغلب ضرب‌المثل‌ها بدون نیاز به تفسیر مفصل خوانده می‌شوند. بسیاری از مردم، از جمله بسیاری از محققان، فرض می‌کنند که ضرب‌المثل‌ها دقیقاً همان چیزی هستند که هستند، آنها فقط همانطور که هستند می‌گویند و آن را به شیوه‌ای سراسر و ساده بیان می‌کنند و تنها کاری که باید انجام دهیم این است که فقط به کلمات گوش دهیم، آنها را به همان شکلی که هستند بپذیریم و تفسیر زیادی لازم نیست.

این موضوع هم برای محققان و هم برای بسیاری از خوانندگان عادی، چه یهودی و چه مسیحی، در مورد ضرب‌المثل‌ها صادق است. با این حال، همانطور که خواهیم دید، من فکر می‌کنم که در اینجا نیز چنین نیست. ویلیام مک‌کین، در سال ۱۹۷۰، ادعا کرد که، نقل قول: گفته او نشان می‌دهد که او نیز معادلاتی را که قبلاً توسط دلیتزش و توی ارائه شده بود، ساخته است و این با جمله زیر، که نقل قول می‌کنم، تأیید می‌شود: به عبارت دیگر، حلقه طلا نشان دهنده زیبایی فیزیکی است.

پوزه خوک نمایانگر زنی است که فاقد سلیقه و قوه تشخیص است. از نظر مک کین، نکته ضرب‌المثل این است که، نقل قول، من کاملاً با این نظر مخالفم، و در عرض چند دقیقه استدلال خواهم کرد، و برای این، اختلاف نظر دلیل خواهم آورد. از نظر پلوگر، در سال ۱۹۸۴، این ضرب‌المثل درباره زیبایی طبیعی نیست، بلکه درباره زیبایی‌های اضافی یا زینتی است.

برخلاف مک کین، پلوگر معتقد بود که هیچ‌کدام از این دو مورد نکوهش نیستند. بلکه نکته‌ی ضرب‌المثل این است که آرایش شیک نباید با شخصیت و سبک زندگی در تضاد باشد. نقل قول: اگرچه پلوگر در این مورد صریح نیست، اما به نظر می‌رسد که او این ضرب‌المثل را تعمیم داده است.

نکته‌ی آن درباره‌ی ارزش‌های درونی و ظاهر بیرونی است که ممکن است در مورد انسان‌ها به طور کلی صدق کند، نه به طور خاص برای زنان. به نظر می‌رسد که پلوگر اولین مفسری در میان کسانی بود که در اینجا مورد بررسی قرار گرفتند و نسبت به ماهیت بالقوه توهین‌آمیز این ضرب‌المثل حساس بودند، اگرچه او به این موضوع توجه نکرد. اما با تعمیم کاربرد آن، می‌توان آن را در مورد مردان نیز به کار برد و می‌توان آن را در مورد انواع کاستی‌ها به کار برد.

اما بیشتر بحث بر سر آراستگی و ظاهر بیرونی بود، نه عیوب درونی. حالا این توجه به حساسیت جنسیتی با تفسیر درک کیدنر در سال ۱۹۸۵ ادامه یافت، که به طرز عجیبی می‌خواست بگوید، موضوع را اینگونه بیان کنید، نقل قول می‌کنم، ضرب‌المثل آن را با قاطعیت بیشتری از آنچه ما می‌توانیم بیان می‌کند. در جایی که ما، از آن خانم به عنوان کمی ناامیدکننده صحبت می‌کردیم، کتاب مقدس او را به عنوان یک هیولا می‌بیند. پایان نقل قول.

او با روشی کاملاً جنتمنانه، خود و خوانندگان مدرنش را از بی‌تفاوتی جنسیتی زیان ضرب‌المثل، آن‌طور که به‌طور سنتی تفسیر می‌شد، جدا کرد. در عین حال به‌طور غیرمستقیم بر ارزش کتاب مقدس تأکید می‌کرد. با تفسیر ماینهولد در سال ۱۹۹۱، آگاهی از مشکل جنسیتی آشکار ایجاد شده در ضرب‌المثل، بیشتر جنبه‌ی کلامی پیدا کرد.

Der این ضرب‌المثل کنایه‌آمیز، عجیب و غریب و اغراق‌آمیز است و از زندگی واقعی گرفته نشده است. ersten Ranges dar. اینست دیزر مقایسه نیچت آبگسهن. ار استلت عین او برشپیتزونگ Wirklichkeit. با این حال، حساسیت ماینهولد به مسئله جنسیت، او را از شتاب فزاینده سنت تفسیری رها نکرد. او صریحاً زن و خوک را برابر دانست.

نقل قول، زن زیبا به خودی خود با خوکی که بی‌هدف تزئین شده مقایسه نشده، بلکه با خوکی که فاقد سلیقه است مقایسه شده است. و بنابراین، تلاش‌های او برای جدا کردن آرام خود از این ضرب‌المثل تعجب‌آور نیست. گرت، در سال ۱۹۹۳، نگرانی توی در مورد نامناسب بودن زیبایی را دنبال کرد.

و مسئولیت زن را در قبال رفتار نه چندان تحسین‌آمیزش در ضرب‌المثل برجسته کرد. نقل قول، نکته‌ی مقایسه این است که در هر دو مورد، زیبایی در جای نامناسبی قرار دارد. توجه داشته باشید که زن در واقع از اختیار فراوانی برخوردار است.

یک سبک زندگی غیراخلاقی تلویحاً بیان شده است. پایان نقل قول. جدیدترین تفاسیر حاوی تعدادی بینش جدید هستند.

اولاً، وایبری در سال ۱۹۹۴ نه تنها این ضرب‌المثل را نسبتاً خام و ناپخته دانست، بلکه تأکید کرد که به دسته‌ای از ضرب‌المثل‌ها تعلق دارد که ادعا می‌کنند در مورد انتخاب همسر مناسب توصیه‌هایی ارائه

می‌دهند. او با اشاره به امثال ۳۱:۳۰ خاطرنشان کرد که زیبایی راهنمای قابل اعتمادی در این مورد نیست و خاطرنشان کرد که کل آیات ۳۱:۱۰:۳۱ را می‌توان به عنوان ستایشی گسترده از همسری که دارای بصیرت یا عقل سلیم است، در نظر گرفت. در ادامه به این دو نکته باز خواهیم گشت.

توصیه‌هایی در مورد انتخاب همسر مناسب و ۳۱:۱۰:۳۱ به عنوان تفسیری گسترده یا ستایشی از چنین همسری. در بخش بعدی، در دقایق بعدی، می‌خواهم به سهم سه محقق زن به ترتیب زمانی پردازم و سپس برخی نظرات دیگر در مورد سهم محققان زن را خارج از ترتیب زمانی دنبال کنم، اما برای سهولت ارجاع در اینجا اضافه شده است. ابتدا، ای. برنر در سال ۱۹۹۵ اشاره کرد که، نقل قول، یک زن شایسته مایه افتخار و شادی شوهرش است، همانطور که در ۳۱:۱۰:۳۱ آمده است، اما یک زن بی‌ارزش مایه ننگ اوست.

الف و ۲۲ و ۱۲:۴، پایان نقل قول. من این نکته را که چنین زنی مایه ننگ شوهرش است، بعداً در ۱۱:۱۶ نتیجه‌گیری خودم بسط خواهم داد. جودیت مک‌کینلی در سال ۱۹۹۶ اظهار داشت که، نقل قول، نکته برجسته این است که جذابیت ظاهری نشان‌دهنده تبعیض درونی معادل آن نیست، پایان نقل قول.

و در ادامه گفت، دوباره نقل قول می‌کنم، با این حال، این تشبیه نه تنها حلقه طلا را با جذابیت یا زیبایی همسو می‌کند، بلکه ناگزیر زن را با خوک، که به عنوان نجس‌ترین حیوانات در نظر گرفته می‌شود، مرتبط می‌کند. مک‌کینلی سپس فکر نمی‌کرد که خود ضرب‌المثل زن و خوک را برابر می‌داند. ادعای او این است که این ضرب‌المثل ناگزیر زن را با خوک مرتبط می‌کند.

و به نظر می‌رسد که این موضوع با بررسی کنونی پژوهش‌ها تأیید می‌شود. با این حال، همانطور که در چند دقیقه آینده اشاره خواهم کرد، به اعتقاد من، خود ضرب‌المثل نیست که این اجتناب‌ناپذیری را ایجاد می‌کند، بلکه سنت خواندن مردمحور است، سنتی که حتی بر برخی از خوانندگان زن نیز تسلط دارد. در سال کارول فونتین، به طور خاص در مورد امثال ۱۱:۲۲ اظهار نظر نکرد، اما آن را در میان فهرستی از ۱۹۹۸، ابیاتی از امثال قرار داد که حاوی چیزی است که او آن را نقل قول، سبکسری علیه اکثر یا همه زنان می‌نامد.

او در جای دیگری در یک اظهارنظر تک‌خطی اشاره کرد که، نقل قول، زیبایی بدون آگاهی از جایگاه خود در یک جامعه مردسالار بی‌ارزش است، پایان نقل قول. عبارت اخیر، تفسیر او از کلمه «ظلم» است که معمولاً به معنای اختیار ترجمه می‌شود، در امثال ۱۱:۲۲. نظرات سایر محققان زن بسیار مختصر است تا بینش قابل توجهی به بحث ارائه دهد. آثار بیشتر محققان زن در مورد امثال که من با آنها مشورت کرده‌ام، به امثال ۱۱:۲۲ اشاره‌ای نمی‌کنند. برخی از نظرات مفید کلودیا کمپ، که از امثال ۱۱:۲۲ برای نشان دادن مفهوم زمینه‌های اجرا استفاده می‌کند، که در ادامه به آنها خواهم پرداخت، در نتیجه‌گیری من مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ریموند ون لیوون در سال ۱۹۹۷ خاطرنشان کرد که برآمدگی پوزه خوک که با طلا تزئین شده است، بینش را برمی‌انگیزد. به عبارت دیگر، بدون عقل سلیم، زیبایی در یک همسر، یک زن، نابجا است، پایان نقل قول. احتمالاً، به همان اندازه نابجا است که یک حلقه طلا در پوزه خوک.

نظرات مورفی در سال ۱۹۹۸ ترکیبی از تفاسیر سنتی و بینش‌های جدید را ارائه می‌دهد، همانطور که نقل قول زیر نشان می‌دهد، نقل قول، این ضرب‌المثل از این جهت عجیب و غریب است که یک حلقه زینتی نباید در پوزه یک حیوان باشد. طعنه آشکار است زیرا زنان کتاب مقدس چنین حلقه‌هایی می‌پوشیدند. مقایسه بین یک زن زیبا و خوک نیست، بلکه بین کسی است که عقل سلیم ندارد و خوک تزیین شده.

زیبایی بدون خرد، اوج ناهماهنگی است. همچنین به امثال ۳۱:۳۰، پایان نقل قول مراجعه کنید. بنابراین مورفی از بینش وایبری در مورد ارتباط امثال ۳۱ پیروی کرد و با دقت خاطرنشان کرد که یک زن زیبا به خودی خود با یک خوک مقایسه نمی‌شود.

با این وجود، بخش‌های برجسته‌شده یا بخش‌های مورد تأکید در نقل قول قبلی من نشان می‌دهد که به نظر او، فقدان عقل حتی یک زن زیبا را به یک خوک تبدیل می‌کند، هرچند از نوع بزرگ‌شده. کلیفورد در سال نیز به پتانسیل این ضرب‌المثل به عنوان نصیحت ازدواج اشاره کرد، نقل قول، نکته اولویت خرد بر ۱۹۹۹ زیبایی در ارزیابی یک زن، شاید همسر آینده، نقل قول پایان است. او خاطرنشان کرد که مقایسه با خوک چندین بار در نیمه z احتمالاً بر اساس ناهماهنگی صوتی و همچنین طنزآمیز انجام شده است، زیرا صامت اول سطر تکرار شده است.

می‌توانید صدای ز، ز، ز. hazir پادشاه طلایی در پوزه خوک ترجمه شده، نویسه گردانی شده، نرم زهاو باو ز را بشنوید. تقریباً مثل ز، ز، ز. برخلاف اکثر تفاسیر، مفسران، در یکی از آثار منتشر شده قبلی‌ام در سال تلاش کرده‌اند تا این ضرب‌المثل را در بافت ادبی آن تفسیر کنند. با تأکید بر ماهیت متناقض این، ۲۰۰۱ ضرب‌المثل، پیشنهاد کردم که، نقل قول می‌کنم، طنز زیبای مقایسه تصویری در آیه ۲۲، زمینه را برای آنچه در آیات ۲۳ تا ۳۱ دنبال می‌شود، فراهم می‌کند.

من امثال ۱۱، ۲۲ تا ۳۱ را در آن زمان به عنوان یک خوشه ضرب‌المثلی دیدم. آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد مزیت است، زیبایی زن، اگر با ارزش‌های درونی، یعنی قوه تشخیص، همراه نباشد، واقعاً مسخره و بی‌فایده است، مانند حلقه‌ای طلایی در پوزه خوک. در آن مرحله، من ضرب‌المثل را به عنوان معادل زن و خوک نمی‌دیدم.

بلکه، زیبایی زن را با حلقه‌ی طلا برابر می‌دانست. من همچنین پیشنهاد دادم که مزیت ظاهری هر دو به دلیل شرایط همراه، بی‌فایده شده و همین شرایط بودند که نقطه‌ی مقایسه را تشکیل می‌دادند. یعنی زن زیبا فاقد عقل بود و حلقه‌ی طلا در جای اشتباهی در پوزه خوک قرار داشت.

در ادامه، تفسیری را پیشنهاد می‌کنم که برخی از این نکات را بسط می‌دهد. والتکه در سال ۲۰۰۴ اشاره کرد که، نقل قول، زیبایی بی‌ملاحظه در ۱۱، ۲۲ به اندازه حلقه‌ای طلا در پوزه خوک، آبرو دارد، نقل قول را تمام کنید. او طعنه و، همراه با دلیتزش، توازی نمادین را تشخیص داد.

این تشابهات نمادین، مقایسه‌ای پوچ و بی‌معنی را بین یک حلقه طلای زیبا در پوزه خوک نجس که در گل و لای ریشه می‌دواند، و زنی زیبا که فاقد تدبیر است و به طور ضمنی زیبایی خود را که او را در شرارت زینت می‌دهد، غرق می‌کند، (نقل قول پایانی) (ترسیم می‌کنند. والتکه در توصیف این استعاره خاطرنشان می‌کند که این، (نقل قول پایانی) (شامل عادت نفرت‌انگیز خوک به خوردن لجن و ریشه دواندن در سرگین و بی‌احساسی SUR او در هدر دادن و لکه‌دار کردن زینت گرانبها است). نقل قول پایانی (او همچنین ادامه می‌دهد که فعل زن را به عنوان، (نقل قول پایانی) (مرتد از آنچه هنجار است، توصیف می‌کند.

والتکه معادله‌ی خود بین خوک و زن را به صورت گرافیکی نشان داد. دوباره به تفصیل نقل قول می‌کنم. این ضرب‌المثل می‌گوید که با کنار گذاشتن هرگونه قضاوت معقول و رفتار اخلاقی که این زن زمانی در خود پرورش داده یا داشته، این زن خود را در لباس، گفتار و رفتارش به یک حیوان سرسخت تبدیل کرده است.

در واقع، او از یک خوک هم بدتر است. نمایش ذاتاً جسورانه است، اما این زن از وقار خود روی برمی‌گرداند. زیورآلات نامناسب، به جای اینکه زیبایی او را افزایش دهند، او را به طرز احمقانه‌ای بی‌مصرف، عجیب و غریب و زننده نشان می‌دهند.

او به جای اینکه با موهبت طبیعی خود افتخار کسب کند، مورد تمسخر قرار می‌گیرد. این ضرب‌المثل به جوانان دستور می‌دهد که به ظرافت درونی اولویت دهند، نه زیبایی ظاهری. وای

با اشاره به توازی نمادین، نقل قول، در شرح والتکه، که نشان‌دهنده وابستگی آگاهانه او به دلیچ است، ما به دور اول برگشته‌ایم و خود را با ایده دلیچ مبنی بر اینکه امثال ۱۱:۲۲ یک ضرب‌المثل نمادین است که در آن سطر اول و دوم مانند یک تصویر و زیرنویس آن به هم مرتبط هستند، بازی می‌بایم. آنچه به نظر می‌رسد دلیچ در ذهن داشته است، در صفحه ۲۷ کتابی از تصاویر طنزآمیز الهام گرفته از کتاب امثال به تصویر کشیده شده است. تصویر یک خوک بادکرده در لباس زنانه و یک حلقه طلا از طریق بینی‌اش، با تصویری در پایین به شکل امثال ۱۱:۲۲ ارائه شده است. اما آیا واقعاً این همان چیزی است که امثال می‌گوید؟ من فکر نمی‌کنم.

نگاهی به کل کتاب امثال به عنوان زمینه‌ای برای تفسیر امثال ۱۱:۲۲ و بررسی ساختار نحوی و توازی شاعرانه آن، ما را برای تفسیری متفاوت از این ضرب‌المثل آماده می‌کند. با این حال، قبل از اینکه به این موضوع بپردازم، می‌خواهم تأکید کنم که چرا اینقدر وقت صرف این بررسی ادبیات و تاریخچه پذیرش این ضرب‌المثل کرده‌ام یا توضیح دهم که چرا این همه وقت صرف آن کرده‌ام. تقریباً همه مفسران و مفسرانی که از آنها نقل قول کرده‌ام، مفسران بسیار واجد شرایط و بسیار توانمندی از کتاب مقدس به طور کلی هستند.

با این حال، من فکر می‌کنم که هر یک از آنها، صادقانه بگویم، از دیدگاه فعلی من، دچار خوانش سطحی از ضرب‌المثل شده‌اند، دقیقاً به این دلیل که فکر می‌کنم بسیاری از مردم فکر می‌کنند که این ضرب‌المثل‌ها سراسر است هستند و معنای واقعی آنها کاملاً واضح است، در حالی که در واقع، به اعتقاد من، بسیاری از این ضرب‌المثل‌ها در اولین خواندن یا اولین شنیدن آنها فوق‌العاده ظریف، گاهی طعنه‌آمیز، گاهی عمداً همراه‌کننده هستند و سپس برداشت‌های کسانی را که ضرب‌المثل را بدون تفکر بیشتر می‌خوانند یا می‌شنوند، تضعیف می‌کنند. اما حالا اجازه دهید در مورد کتاب امثال به عنوان یک زمینه تفسیری صحبت کنم. در نگاه اول، مقایسه جذاب و واضح بین یک زن و یک حلقه طلا در سال ۱۱۲۲ ممکن است در کتاب امثال، که بسیار مردم‌محور به نظر می‌رسد، مجزا به نظر برسد.

برای مثال، زنی ادعا کرد، نقل قول کرد، ضرب‌المثلی که در جاهای دیگر حرف چندانی درباره زنان ندارد و برخی از آن حرف‌ها هم چندان تعریف و تمجیدی نیستند، باید با چنین مدحیه‌ای به پایان برسد، اشاره او به امثال ۳۱، ۱۰ تا ۳۱، تعجب‌آور است، نقل قول پایانی. با این حال، هنگامی که خوانندگان مسیری را از میان انبوه برداشت‌های مردسالارانه گذشته پاک می‌کنند، چشم‌انداز جالبی آشکار می‌شود، منظره‌ای مملو از زنان جذاب و متنوع که در جای‌جای این چشم‌انداز پراکنده‌اند. هر یک از هفت مجموعه این کتاب شامل اظهارات مهمی از سوی زنان یا درباره زنان است.

به نظر من، مجموعه اول، یعنی امثال ۱ تا ۹، ۱۵۱ ضرب‌المثل دارد که به نوعی به زنان مربوط می‌شود. این %۵۹ است. مجموعه دوم، فصل‌های ۱۰ تا ۲۲، ۱۶، ۱۹ آیه دارد، ۵ %۵۹.

مجموعه سوم، ۲۲، ۱۷ تا ۲۴، ۲۲، چهار آیه دارد، ۶.۷ % . مجموعه چهارم، ۲۴، ۲۳ تا ۳۴، یک آیه دارد، مجموعه پنجم، امثال ۷۵ تا ۲۹، شش آیه دارد، ۴.۳ % . مجموعه ششم، امثال ۳۰، ۱ تا ۳۳، هشت، ۸.۳ % آیه دارد، یعنی ۲۴.۲ % . و در مجموعه هفتم، یعنی امثال ۳۱، ۱ تا ۳۱، هر ۳۱ آیه یا توسط یک زن بیان شده است، آیات ۲ تا ۹، که آیه اول یک ملکه مادر را به عنوان گوینده کلام معرفی می‌کند، یا درباره یک زن است، آیات ۱۰ تا ۳۱. ۱۰۰ % . مجموعه‌های اول و آخر تاکنون بیشترین نسبت اظهارات توسط زنان یا درباره زنان را شامل می‌شوند.

امثال ۱ تا ۹، که، بخشید، امثال ۱ تا ۹، که به اتفاق آرا مقدمه کل کتاب را تشکیل می‌دهد، مملو از طیف وسیعی از زنان قابل توجه است که بیشتر آنها برای جلب توجه مردان رقابت می‌کنند. و آخرین مجموعه امثال ۳۱، ظاهراً توسط یک شخصیت مقتدر زن بیان می‌شود و برجسته‌ترین زن از همه آنها، همسر شجاع تا ۳۱، را در خود جای داده است. بنابراین، کتاب امثال به معنای واقعی کلمه توسط زنان جذاب ۱۰، ۳۱ احاطه شده است.

بیشتر مفسران از این نتیجه می‌گیرند که امثال ۱ تا ۹ و امثال ۳۱ یک چارچوب هرمنوتیکی پیرامون کتاب تشکیل می‌دهند. گفته لئو پردو نمونه‌ای بارز است. نقل قول، وجود اشعار تعلیمی در امثال ۱ تا ۹ و ۳۱، شمول فراگیری را برای کل کتاب فراهم می‌کند.

این ویژگی چیزی بیش از صرفاً تقویت ادبی است، نقل قول پایانی. با این حال، به طرز شگفت‌آوری، در فرآیند تفسیر واقعی ارائه شده برای مطالب موجود در امثال ۱۰ تا ۳۰، از جمله امثال ۱۱:۲۲، همانطور که دیده‌ایم، تأثیر این چارچوب هرمنوتیکی مفروض در تفاسیر محققان به ندرت، اگر نگوییم هرگز، قابل مشاهده است. چرا در کتاب امثال اینقدر مطالب درباره یا توسط زنان وجود دارد؟ در واقع، به اندازه ۲۱۹ آیه، ۲۳.۵٪. چرا چنین دغدغه‌ای با زنان، شخصیت‌پردازی‌های زنان و استعاره‌های زنان وجود دارد؟ من سه دلیل می‌بینم.

اولاً، ویراستاران کتاب امثال از تمایل دستور زبان عبری برای ارائه اسامی انتزاعی مانند حکمت، حکمه، با جنسیت مؤنث استفاده کرده‌اند تا طیف وسیعی از چهره‌های زن جذاب را خلق کنند که توجه خواننده مرد را جلب کند. ثانیاً، از آنجایی که مخاطبان اصلی این کتاب مردان جوان هستند، آموزش روابط جنسیتی، موضوعی جالب برای مخاطبان هدف است. ثالثاً، آموزش روابط سالم و مشروع با مادران، همسران خواهران و سایر زنان برای مردان جوانی که برای نقش‌های رهبری در جامعه خود آماده می‌شوند، به نفع آن جامعه است، زیرا خانواده را به عنوان یک نهاد اجتماعی کلیدی ارتقا می‌دهد و، همانطور که امیدواریم، به صداقت و خوشبختی رهبران آینده آن و در نتیجه جامعه به طور کلی کمک می‌کند.

مطالعه‌ی دقیق این حجم عظیم از مطالب متنی درباره‌ی زنان در امثال، از منظر این دو دلیل، یا سه دلیل به شدت مورد نیاز است. من الان وقت انجام این کار را ندارم، اما یکی از دانشجویان دکترای من، جناب کشیش، خب، حالا جناب دکتر ژانت هارتول، به تازگی پایان‌نامه‌ی دکترای خود را در همین موضوع به پایان رسانده است. با این حال، فعلاً کافی است اشاره کنیم که امثال ۱۱:۲۲ به دو دلیلی که ذکر شد پاسخ می‌دهد.

این ضرب‌المثل هم برای مخاطبان جوان مرد کتاب بسیار موضوع روز است و هم، به گفته‌ی من، در راستای منافع عمومی است. در چند دقیقه‌ی آینده، سعی خواهم کرد نشان دهم که این ضرب‌المثل به مردان جوان هشدار می‌دهد که همسر خود را صرفاً بر اساس ظاهر بیرونی انتخاب نکنند. برای درک چگونگی دستیابی این ضرب‌المثل به این هدف، اکنون لازم است به نحو و ساختار شاعرانه‌ی آن نگاهی بیندازیم.

بنابراین یکی از مسائلی که در تفسیر مک‌کینلی مطرح شد، که قبلاً در مورد آن بحث کردیم، این احتمال بود که در واقع زن نیست که در امثال ۱۱:۲۲ با خوک مقایسه شده است. برای تأیید این موضوع، باید با دقت بیشتری به موارد جداگانه‌ای که هر دو نیمه معادله را تشکیل می‌دهند، نگاه کنیم. در زبان عبری، این ضرب‌المثل فقط از هشت کلمه تشکیل شده است. مصراع شعری به شرح زیر است.

نترم زهاو بااو چاتزیر، ایشا یافا و ساروت طعام. مکث کوتاهی که هنگام خواندن این متن کردم، نشان دهنده‌ی لهجه‌ی ماسورتی، یعنی آدناخ، در خط عبری است که این ضرب‌المثل را به دو نیمه تقسیم می‌کند.

که برای هر نیمه تعداد مساوی کلمه و تعداد مشابهی صامت، ۱۲ در نیمه‌ی اول و ۱۳ در نیمه‌ی دوم وجود دارد.

در نگاه اول، به نظر می‌رسد دو ملاحظه به نفع معادله‌ی «خوک برابر است با زن» باشد. اولاً، در زبان عبری، کلمات مربوط به خوک، «هتیزر» «و زن»، «ایشا»، در مرکز ضرب‌المثل کنار هم قرار گرفته‌اند و در انتهای بخش اول و ابتدای بخش دوم آیه رو در روی هم قرار گرفته‌اند. ثانیاً، خوک و زن تنها موجودات زنده‌ای هستند که در ضرب‌المثل ذکر شده‌اند، که نشان‌دهنده‌ی یک شباهت مقوله‌ای است که می‌تواند سایر نقاط مشترک را تحت‌الشعاع قرار دهد.

با این حال، چند جمله بعدی من، معادله متفاوتی را ترجیح می‌دهند. ترجمه تحت‌اللفظی امثال ۱۱:۲۲ می‌تواند به طور واضح‌تری نشان دهد که چگونه بخش‌های مختلف این ضرب‌المثل با هم مرتبط هستند. حلقه‌ای طلایی در پوزه خوک، زنی زیبا که از احتیاط روی برگردانده است.

مفسران عموماً خاطرنشان می‌کنند که این ضرب‌المثل مقایسه‌ای را مطرح می‌کند. اگرچه هیچ واج مقایسه‌ای در این ضرب‌المثل وجود ندارد، اما اکثر مفسران آن را به عنوان یک تشبیه بهتر می‌دانند. نیازی نیست که یک تشبیه به طور خاص با چنین واج‌های مقایسه‌ای مشخص شود، زیرا همانطور که آدل برلین اشاره کرده است، ماهیت مقایسه‌ای یک مصراع شعر عبری را می‌توان از طریق توازی منتقل کرد.

من در متون، هیچ نشانه‌ای از ماهیت توازی این ضرب‌المثل نیافته‌ام، احتمالاً به این دلیل که در هیچ یک از دسته‌بندی‌های مرتب توازی مترادف، متضاد یا ترکیبی که اسقف رابرت لوث مدت‌ها پیش ارائه کرده بود نمی‌گنجد. اگر قرار بود از طبقه‌بندی لوث که اکنون منسوخ شده است پیروی کنیم، باید آن را توازی مترادف می‌نامیدیم. اما کلمات منفردی که در دو نیمه ضرب‌المثل با یکدیگر مطابقت دارند، به معنای دقیق کلمه مترادف نیستند.

به نظر من، راه بهتر برای ادامه این است که با برلین اذعان کنیم که موازی‌سازی توسط همه جنبه‌های زبان فعال می‌شود. ما از بینش مایکل اوکانر پیروی خواهیم کرد که نیم‌خط، یعنی خط در نامگذاری او، واحد اساسی است و تحلیل خود را با نگاهی به ساختار نحوی هر نیم‌خط به تنهایی آغاز می‌کنیم. نیم‌خط اول از تشکیل شده است. بااو چاتزیر، به معنی حلقه‌ی طلا در پوزه خوک Netzemzahav چهار کلمه

این عبارت به طور طبیعی به دو بخش تقسیم می‌شود که هر کدام به نوبه خود از دو کلمه تشکیل شده‌اند. توصیف golden شروع می‌شود که سپس با یک صفت، یعنی کلمه ring، بخش اول با یک اسم، یعنی کلمه معرفی شده b'in می‌شود. بخش دوم نیز از دو اسم تشکیل شده است که اولی با حرف اضافه جدانشدنی است.

نیم‌خط به خودی خود، توصیفی از یک شیء، یک انگشتر، به وسیله‌ی صفتی است که زیبایی یا ارزش آن را برجسته می‌کند. این شیء طلایی است. سپس یک عبارت قیدی به دنبال آن می‌آید که مکان شیء را در پوزه‌ی خوک نشان می‌دهد.

مکانی که از ارزش آن می‌کاهد زیرا موقعیت نامناسب آن، آن را عجیب و غریب می‌کند. حالا به نیمه دوم مصراع می‌پردازم. این مصراع به طور مساوی از چهار کلمه تشکیل شده است، ایشا یا فا و سارات طعام، به زنی زیبا و بی‌ملاحظه ترجمه می‌شود.

باز هم، نیم‌خط به طور طبیعی به دو بخش تقسیم می‌شود که هر بخش شامل دو کلمه است. بخش اول توصیف beautiful شروع می‌شود که سپس با یک صفت، کلمه woman دوباره با یک اسم، کلمه

است که یک حرف and و the می‌شود. بخش دوم، با کمی تغییر نسبت به نیم‌خط اول، شامل حرف ربط اضافه را معرفی می‌کند و به دنبال آن یک اسم می‌آید.

این نیم‌خط به خودی خود توصیفی از یک شخص، یک زن، با استفاده از صفتی است که او را به عنوان زیبا توصیف می‌کند. سپس به دنبال آن یک جمله‌ی موصولی وجه وصفی می‌آید که عملی را در گذشته‌ی آن شخص توصیف می‌کند که او از احتیاط روی برگردانده است. عملی که او را بی‌ارزش می‌کند زیرا فضیلتی را که در تعاملات اجتماعی مختلف، دارایی ارزشمندی برای انسان‌ها محسوب می‌شود، رد کرده است.

بر اساس تحلیل نحوی دو نیم‌خط و مقایسه‌ی کارکردهای معنایی و کاربردی کلمات در هر یک، اکنون می‌توانیم مشخص کنیم که چه بخش‌هایی در هر یک با هم مقایسه می‌شوند. مانند هر مقایسه‌ی موفق، برابر «باید با» برابر «مقایسه شود و می‌شود. یک انگشت با یک زن مقایسه می‌شود».

نکته‌ی مقایسه این است که هر دو به دلیل ظاهر بیرونی‌شان ارزشمند هستند. یکی طلایی است، دیگری زیباست. با این حال، هر دو یک ویژگی ثانویه دارند که آنها را بی‌ارزش می‌کند.

یکی زینتی است که در جای نامناسبی، در پوزه یک حیوان نجس، قرار گرفته است. دیگری زنی است که فضیلتی را که می‌توانست او را به عضوی ارزشمند از جامعه تبدیل کند، رد کرده است. او پرهیزکاری را رد کرده است.

خلاصه اینکه، زن با خوک مقایسه نمی‌شود، بلکه با حلقه مقایسه می‌شود. زن از طریق مقایسه با همتای استعاری‌اش تجربه و درک می‌شود. آنها ویژگی‌های مشترکی دارند.

یکی از مواد ارزشمند و زیبا ساخته شده است. دیگری از نظر فیزیکی جذاب است که آنها را قابل مقایسه می‌کند زیرا آنها یک تطابق استعاری را تسهیل می‌کنند که از طریق مبنای تجربی یک سیستم ارزشی انسانی عمل می‌کند که می‌تواند با عبارت ساده «زیبایی ارزشمند است» بیان شود. با این حال، جالب توجه است که این مقایسه با یک شیء وارگی همراه است.

با یک شخص مثل یک شیء رفتار می‌شود. یک انگشت. نه یک حیوان.

این گفته که زنی که عمدتاً به خاطر ظاهر بیرونی‌اش ارزشمند است، نوع خاصی از چیز است، هرچند ارزشمند، نظام ارزشی زیربنایی را به عنوان نظامی که زن مورد نظر را به کالایی برای تملک تبدیل می‌کند آشکار می‌کند. اکنون به نتیجه‌گیری‌های خود می‌پردازم. عبارت موجود در امثال ۱۱:۲۲ معنایی مستقل از زمینه‌هایی که در آن خوانده و شنیده می‌شود، ندارد.

در میان محققان ضرب‌المثل، بافت‌ها، بافت‌های اجرایی نامیده می‌شوند. بسته به موقعیت‌های خاص، از جمله بافت‌های اجرایی ادبی، یک ضرب‌المثل می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد. چهار بافت اجرایی ممکن برای امثال ۱۱:۲۲ به همراه پیامدهای آن برای تأثیر عملی در نقل قول زیر از کلودیا کمپ در سال ۱۹۸۵ ذکر شده است.

این ضرب‌المثل می‌تواند به طور مؤثر برای منصرف کردن یک مرد جوان از معاشرت با چنین زنی یا تشویق یک زن زیبا به حفظ احتیاط در یک موقعیت خاص مورد استفاده قرار گیرد. هنگامی که کار سختی توسط بی‌احتیاطی یک زن زیبا برای شخص دیگری انجام شده باشد یا هنگامی که او بدین ترتیب خود را رسوا کرده باشد، می‌توان از این ضرب‌المثل به صورت ارزیابی برای توضیح اینکه چرا اوضاع به چنین مرحله‌ای رسیده است، استفاده کرد. با توجه به پیشینه کل کتاب امثال، اولین و سومین مورد از این موارد، موقعیت‌های

ممکنی را تشکیل می‌دهند که توسط زمینه‌های اجرای ادبی برای امثال 11:22 پیش‌بینی شده‌اند. این ضرب‌المثل مرد جوانی را تصور می‌کند که زن زیبایی را ترجیح می‌دهد، اگرچه او فاقد احتیاط است، که به وضوح یک فضیلت کلیدی در نظر کسانی است که این ضرب‌المثل را ابداع کرده‌اند.

چرا او باید این کار را بکند؟ در برخی زمینه‌های اجتماعی، زیبایی او می‌تواند او را به یک دارایی نسبتاً آراسته برای یک مرد جوان تبدیل کند. او ممکن است تحسین یا حسادت مردان دیگر را جلب کند و بنابراین جایگاه او را در بین همسالان ارتقا دهد. همانطور که در امثال ۱۲:۴ آمده است، یک زن خوب تاج سر شوهرش است.

این ضرب‌المثل، که تنها ۱۲ آیه با آیه ۲۲ فاصله دارد، نوع خاصی از زن را به عنوان زینت مرد توصیف می‌کند. این دو ضرب‌المثل از استعاره اساسی یکسانی استفاده می‌کنند: «زن مساوی است با زینت شوهر.» با این حال، در نهایت، مردی که همسر بی‌احتیاط دارد، خود را در معرض دید قرار می‌دهد و به دلیل رفتار نامناسب همسرش در ملاء عام رسوا می‌شود.

از آنجایی که او به رفتار محتاطانه اهمیتی نمی‌دهد، اساس آن نوع مهارت‌های اجتماعی که واقعاً جایگاه اجتماعی شوهرش را ارتقا می‌دهد، در امثال ۳۱.۱۰.۲۳۱ مطرح شده است. با توجه به پیشینه کل کتاب امثال، که در آن توصیه به مردان جوان در مورد همسران مناسب بسیار مهم است، امثال ۱۱.۲۲ در کنار سایر امثالی قرار می‌گیرد که نسبت به زنان دارای رذایل هشدار می‌دهند. ضرب‌المثل زن زیبای بی‌عقل مانند حلقه طلا در پوزه خوک است که به زمینه آمادگی برای ازدواج تعلق دارد. در کتاب امثال، خطاب به مردان جوان است و به آنها هشدار می‌دهد که با ازدواج با زنی که از نظر اجتماعی بی‌عرضه است، صرفاً به دلیل ظاهر خوبش، خود را احمق جلوه ندهند.

فقدان بصیرت به معنای فقدان هوش نیست. ترجمه کلمه طعام به کلمه بصیرت، هرچند به طور کلی مناسب به نظر می‌رسد زیرا به فضیلتی اشاره دارد که دلالت بر مهارت‌های اجتماعی دارد. نظر فونتین مبنی بر اینکه بصیرت به آگاهی از جایگاه خود در یک جامعه مردسالار اشاره دارد، چندان بی‌راه نیست، اما باید گسترش یابد تا درک و تعهد به رفتار عمومی مناسب توسط زنان و مردان را که منجر به تعاملات اجتماعی مبتنی بر نزاکت، ادب و احترام متقابل می‌شود، در بر گیرد.

بنابراین، پرهیزگاری فضیلتی است که از زنان و مردان انتظار می‌رود. در پایان، اگر یک زن زیبا مانند حلقه‌ای طلایی است و اگر فقدان پرهیزگاری او قابل مقایسه با حلقه‌ای طلایی در پوزه خوک است، و اگر این ضرب‌المثل خطاب به مردان جوان است، پس خوک کیست؟ البته، یک پاسخ احتمالی در معادله استعاری زن برابر است با زینت شوهر «نهفته است. به امثال ۱۲ آیه ۴ مراجعه کنید. تصویر حلقه‌ای طلایی که در پوزه خوک فرو می‌رود، دو نوع حلقه را تداعی می‌کند که در واقعیت کاملاً متفاوت هستند. یکی حلقه طلایی تزئینی است که زنان در بینی خود فرو می‌کنند.

مورد دیگر، حلقه‌ی کاربردی ساخته شده از فلز ارزان‌قیمت است که در پوزه حیوانات سرکش فرو می‌کنند تا آنها را کنترل کنند، عمدتاً نمونه‌های نر اخته نشده‌ای که قدرت بدنی‌شان، کنترل آنها را دشوارتر می‌کند. نبوغ این ضرب‌المثل در این است که هر دو تصویر را همزمان تداعی می‌کند، هرچند که در دنیای واقعی غیرقابل مقایسه هستند. این ضرب‌المثل آنها را به طرز طعنه‌آمیزی با هم ترکیب می‌کند و دو تصویر را همزمان تداعی می‌کند. اولی تصویر یک مرد جوان است که سعی می‌کند با یک زن زیبا خودنمایی کند، معادل مردانه‌ی انداختن حلقه‌ی طلا در بینی. دومی تصویری از تأثیر نهایی است که انتخاب ظاهر بر ارزش‌های درونی دارد.

مرد جوان به خاطر آنچه که واقعاً خوک است و همسر زیبا اما بی‌ملاحظه‌اش او را از دماغش می‌راند، رسوا خواهد شد.

این دکتر کنوت هایم و تعلیم او در مورد کتاب امثال است. این جلسه شماره ۱۱، امثال ۱۱:۲۲ حلقه طلا در پوزه خوک است.